

حرف درشت

همه بازنشسته شما بسته‌نشسته

● **بوریا عالمی**: دولت تصویب کرد با این‌همه جوان بی‌کار کسی اجازه استخدام بازنشستگان را ندارد.

بعد از اینکه رئیس‌جمهور این دستور را امضا کرد، سرش را بالا آورد و نگاهی به هیئت دولت انداخت و گفت: اوخ... حواسم به شما نبود.

خلاصه بعد از تصویب طرح ممنوعیت استخدام بازنشستگان، ۹۹ درصد مدیران از کار بی‌کار می‌شدند که دولت اعلام کرد مدیران، اعضای شوراهای گوناگون و دیگر دوستان و آشنایان و وایستگان و فامیل‌ها از این مصوبه مستثنا هستند. بابای بدبخت ما و باقی بازنشسته‌ها گفتند: الان فقط مشکل ما بودیم؟

یک مقام مسئول گفت: بله، شماها بازنشسته‌اید، ولی آشناهای ما که اتفاقا همه‌شان جزء مسئولان و مدیران هستند، بازنشسته نیستند.

خبرنگار ما پرسید: خب واقعا چرا کهن‌سالان را نمی‌فرستید خانه یا خانه سالمندان تا استراحت کنند؟

دولت گفت: ما احترام سشنان را نگه می‌داریم.

....
این‌طور که ما می‌بینیم، برخی از مدیران ما شبیه تهران جزء بافت فرسوده محسوب می‌شوند. به‌همین دلیل ما پیشنهاد می‌کنیم با توجه به اینکه احتمال تخریب وجود دارد، همه اینها را بدهیم موزه نگهداری کند و خلاص.

پیشخوان

شماره اول از دوره جدید «زیباشناخت» پس از حدود سه‌سال‌و نیم منتشر شد. زیباشناخت فصلنامه مطالعات نظری و تاریخی هنر است که به سردبیری کامران سیهران منتشر می‌شود. در دوره جدید، علی مرادخانی مدیرمسئول است. این نشریه بر مطالبی در حوزه نظریه هنر، نقد کتاب و مطالعات تاریخی زیبایی‌شناسی تمرکز دارد. در این شماره یادداشت‌ها و مقالات و ترجمه‌هایی از جان کری، فردریش شیلر، لف مانویچ، آدام وود، پاول وودراف، دلبیو جی میچل، صالح نجفی، علی روحانی، امین حسینیون، عرفان خلایقی، محمد سپاهی، سیدمحمدمهدی ساعتچی، بهنام نوانی، رؤیا ظریفیان، نیلوفر مسجدی‌زاده، سینا مُمتحنی و آرمین حامدی‌نژاد را می‌خوانید.

روزنامه شتر

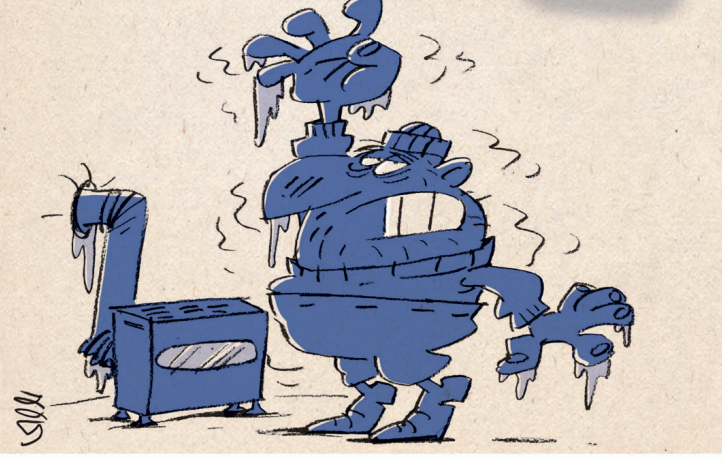
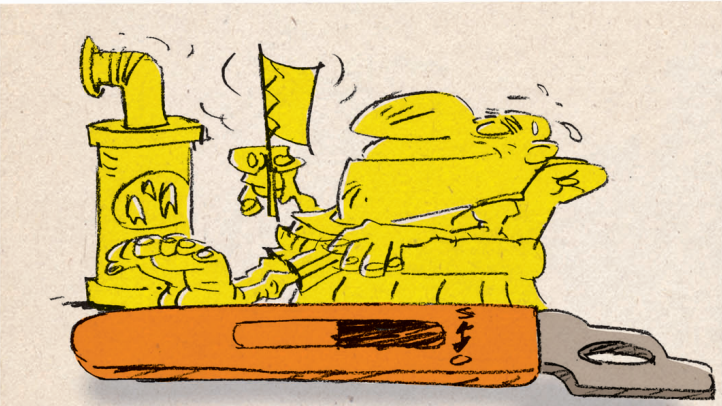
پنجشنبه ۴ آبان ۱۳۹۶ • ۶ صفر ۱۴۳۹ • ۲۶ اکتبر ۲۰۱۷ • سال پانزدهم • شماره ۲۹۹۶ • ۲۰ صفحه

آذان ظهر تهران ۱۱:۴۸ • آذان مغرب ۱۷:۳۴ • آذان صبح فردا ۴:۵۶ • طلوع آفتاب ۶:۲۱

روزنفرها

کارتون خواب

محمدرضا ثقفی



از درون تیگرکی زلاید صواب دانرا آتش بده بخ برتاب



همچنین می‌توانید افراد نیازمند در زمینه‌های فوق را به ما معرفی کنید.

برای ارسال هدایای غیرنقدی از قبیل آذوقه، لباس و ... نیز با ما تماس بگیرید.



موسسه خیریه فرشتگان خانه محبت
تحت نظارت سازمان بهزیستی استان تهران
شماره ثبت ۴۰۹۲۴

khanemohabbat

آدرس: خیابان ویلا، نبش ورشو، کوچه هشتم، پلاک ۶، طبقه ۴
تلفن: ۹ و ۸۸۹۴۹۶۶۸

آکادمی

غفلت و انکار

یک پیشنهاد برای روز جهانی سخته مغزی

کنیم و آن را متعلق به کسی دیگر بدانیم یا فراموشی پیدا کنیم و از کارهای عادی زندگی بازمانیم. این فاجعه سخته مغزی است که ما را به این صرافت می‌اندازد که مغز ما چه نقش بزرگی در زندگی ما دارد و چقدر مهم است که از کار آن محافظت کنیم. اگر این فاجعه طبیعی سخته مغزی بارهاوبارها اتفاق نمی‌افتد، شاید انسان به این صرافت مهم نمی‌افتاد و در غفلت و انکار مغز خود، همچنان روزگار می‌گذراند و همچنان بدن و ذهن را دو ماهیت جدا از هم تلقی می‌کرد و مغز حلقه مفقوده وجود باقی می‌ماند. به‌علاوه، در سخته‌های مغزی است که ما متوجه پویایی، انعطاف‌پذیری و خاصیت جبرانی پس از آسیب مدارهای مغزی می‌شویم. این نکته مهمی است که نباید از آن غافل باشیم تا امید مقاومت و جبران مافات را زنده نگه داریم. در حین پژوهش‌های خود به‌عنوان یک مغزپژوه دریافته‌ام که مغز خلاق راه‌های جبرانی را بهتر می‌شناسد. بنابراین مغز یک هنرمند یا یک اندیشمند در هنگام بحران مغزی، در هنگام بروز سخته مغزی راه‌های بیشتری برای رسیدن به راه‌حل جبرانی عملکردی می‌شناسد. حتی دیده شده که این افراد از طریق توانایی‌های به‌جامانده از تجربه گذشته خود به پدیده غفلت ناشی از سخته مغزی خود آگاه می‌شوند. نمونه آن طراحی‌های کاریکاتورگونه «فدریکو فلینی»، فیلم‌ساز معروف ایتالیایی، پس از سخته مغزی نیمکره راست در هنگام پدیداری سندرم غفلت است. جایزه نوبل ادبیات امسال به «کارنو ایشی گورو»، نویسنده ژاپنی - انگلیسی رسید که کتاب «بازمانده روز» آن را «نصف دریابندری» به زیبایی ترجمه کرده است. در این داستان، «استینوس»، سریشخدمتکاری است که وفاداری خود به خانواده اشرافی انگلیسی در طول جنگ جهانی اول



عبد الرحمن نجل رحیم
عصب‌شناس و عصب‌پژوه

سخته مغزی فاجعه‌ای طبیعی است. بشر از دیرباز از فاجعه آموخته است. فاجعه خیر نمی‌کند، ویران می‌کند. پس از ویرانی است که می‌شود ارزیابی درستی از ابعاد فاجعه و راه‌های پیشگیری از آن آموخت. اما فاجعه سخته مغزی یک چیز دیگر هم در طول تاریخ به ما آموخته است. به ما یاد داده که عضو شریف و همه‌کاره‌ای در بدن خود داریم که اسمش مغز است و هر عمل ما در زندگی به وجود فعال آن بستگی دارد، زیرا انسداد درون لوله یک سرخرگ خون‌رسان یا لخته‌ای خون در مغز است که موجب می‌شود تا بخشی از مغز فعالیتش را از دست بدهد. با ازدست‌رفتن فعالیت بخش‌هایی از مغز است که ما می‌فهمیم که مغز ما چه عضو مهمی در زندگی ما بوده که ما از وجودش غافل بوده‌ایم. اگر مغز نداشته‌یم، چشم و گوش، دماغ، دست و پا و پوست بدن و عضلات و دیگر اعضای بدن ما، به هیچ درد ما نمی‌خورند و در آن صورت، زواندی بی‌فایده و آویزان به زندگی بی‌مقصد و منظور بدن ما بودند و هیجان، احساس، خاطره، تخیل، خلاقیت و تفکر از وجود ما رخت برمی‌بست. از سخته مغزی بسیار آموختیم. آموختیم که غفلت و انکار، نتیجه صدمه مغزی به مدارهای خاصی از فعالیت آن است. با سخته در نیمکره مغزی است که ممکن است ما نیمه‌ای از بدن خود و آنچه پیرامون آن می‌گذرد را از صفحه آگاهی و توجه خود پاک کنیم و نسبت به آن غافل بمانیم. از همه مهم‌تر ممکن است حتی عضو فلج بدن خود را انکار

همین حوالی

زنان همچنان در حسرت حضور در شهر آورد

عارف‌ه اییاسی

۳۶ سال از آخرین‌باری که زن‌ها توانستند شه‌رآورد تهران را از نزدیک ببینند، گذشته است. هر بازی برای طرفداران پروپاقرص این دو تیم در حکم یک فینال زودرس است؛ ولی زنان از این هیجان و شادی سهمی ندارند. در جامعه‌ای که تقریحات ارزان‌قیمت جمعی به‌سختی برای خانواده‌ها فراهم است، تماشای خانوادگی ورزش‌ها در پایان هفته می‌تواند روحیه خسته شه‌روندان را تغییر دهد؛ ولی این‌ تصویر بی‌عید و غریب برای ماست. آخرین تصاویر این حضورهای خانوادگی، سیاه و سفید است. نتیجه این تک‌جنسیتی‌سازی و احتمالا افرادی که لزومی ندارد پایان هفته در کنار خانواده وقت بگذرانند شعارهای ضد خانواده شده است که تصویر مخوفی از ورزشگاه‌ها می‌سازد؛ ولی با وجود مقالات و تحقیقات فراوان و تأکید به مفیدبودن حضور زنان در محیط‌های ورزشی، همچنان کلیدواژه تمام مصاحبه‌های مسئولان «نبود زیرساخت» است. چهار سال پیش، پس از حضور رئیس فیدا در ایران، علت حضورنداشتن زنان در ورزشگاه‌ها، نبود زیرساخت عنوان شد و بیشتر به نظر می‌رسد این بهانه‌ای برای پوشاندن کم‌کاری‌های افراد مسئول است. تفاوتی که از چهار سال پیش ایجاد شده است، محرومیت زنان از والیبال و بسکتبال است که باعث حساسیت بیشتر آنها به این مسئله شده است. امسال بیش از پیش شاهد بحث و گفت‌وگو درباره منافع این حضور بودیم، چه در زمان انتخابات بعد از حضور بدون مشکل زنان و سردان در کنار هم و چه بعد از آن در زمان لیگ جهانی والیبال و مسابقات مقدماتی جام جهانی فوتبال؛ به‌خصوص تحقیر جمعی زنان ایرانی در بازی با سوریه. در این بین، بر اساس نظرسنجی برنامه نود، بیشترین خواسته مردم از دولت جدید حضور خانوادها در ورزشگاه است.

معلوم نیست چه زمان صدای خواست مردم به گوش مسئولان می‌رسد و منافع این اتفاق برای آنها مسجل می‌شود. هفته گذشته رئیس شورای فرهنگلی و اجتماعی زنان و خانواده شورای عالی انقلاب فرهنگی در گفت‌وگویی با خبرگزاری ایسنا اعلام کرد در آینده نزدیک برای ورود زنان به ورزشگاه‌ها تصمیم‌گیری مسجل می‌شود؛ از یک طرف این مسئله می‌تواند باعث حل‌وفصل این موضوع که بی‌جهت باعث مخدوش‌شدن چهره کشور در ورزش و مشکلات در جامعه شده است، بشود؛ ولی از طرف دیگر، بیم آن وجود دارد که اتفاقی مانند سال ۸۵ و دستور رئیس‌جمهور پیشین تکرار شود و عملا به ادامه دلسردی زنان از توجه دولت به خواست‌های آنان بینجامد. امیدواریم دولت، نمایندگان مجلس و اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی، قدمی برای ایجاد محیطی خانوادگی در ورزشگاه‌ها بردارند و به فضای منفی ایجادشده حول این موضوع پایان دهند؛ مسئله‌ای که منفعت آن برای ورزش کشورمان و کاهش تنش‌ها و خستگی‌های خانواده‌های شهرمان، قطعاً انکارناپذیر است.



را تعریف می‌کند. این سریشخدمتکار نمونه، آنچنان به کارش متعهد است که هر چیزی که در حیطه بیرون از وظیفه مشخصش باشد، حتی احساسات شخصی خود را به‌عمد از حیطه تمرکز و آگاهی خود به دور نگه می‌دارد تا از آن غافل بماند. «نصف دریابندری» که این اثر را ترجمه کرده نیز سال‌هاست که به علت سخته مغزی از کار خلاقه غافل مانده است. با اینکه سخته‌های متعدد مغزی، فرصت جبران و ادامه فعالیت خلاق را از او گرفته، اما مغز ورزیده «نصف دریابندری»، همچنان ایستادگی و مقاومت می‌کند. چهره مهربان و پذیرا، لحن نکهه و حرکات بدن او در ارتباط با دوستان قدیمی چنان است که خانه او هر پنجشنبه پذیرای دوستانی است که با اشتیاق به دیدنش می‌شتایند. بازمانده مغز توانای او در این شرایط بحرانی نیز به دنبال یافتن سرخ‌های ارتباط با جهان آشنای پیرامون است. او نمی‌خواهد در غفلت و انکار بماند. حال چه بهتر که انجمن سخته مغزی، در آستانه روز جهانی سخته مغزی با سیدی از گل به دیدار «نصف دریابندری»، این بازمانده ارزشمند و خلاق که هنوز نور احساس و آشنایی به زندگی را در مغز سخته‌زده خود روشن نگه داشته، بشنابد. آرزو کنیم که با پیشرفت‌های علمی در آینده هیچ مغز خلاقی به سخته گرفتار نشود.

آکادمی

چرا اغلب کسب‌وکارهای نوپای ما با شکست مواجه می‌شوند؟

طرح شد تا به ما یادآوری کند که برای موفقیتی بزرگ نیاز به استراتژی داریم. شاید بگویید از این حرف‌ها زیاد مطرح می‌شود، اما معمولا مهم است موجب اتلاف وقت! در اغلب موارد درست است! خب پس چگونه می‌شود هم از استراتژی غافل نشویم و هم این استراتژی دست‌وپاگیر و بی‌فایده نباشد؟ «کونین بودرو»، استاد دانشگاه نورث ایسترن و مدرس دانشگاه هاروارد، می‌گوید خیلی از کارآفرینان، به‌خصوص آنهایی که به سمت کسب‌وکارهایی بر پایه اینترنت می‌روند، به استراتژی خاصی فکر نمی‌کنند و بعدها که جلو رفتند پادش می‌افتند. ایشان به‌تازگی (اکتبر ۲۰۱۷) یک مدل بسیار ساده، جامع و کاربردی برای این کار پیشنهاد داده است. ادعا می‌کند که این مدل ساده، جمع‌بندی خیلی از ابزارها مثل بوم کسب‌وکار و... است. می‌گوید اگر پاسخ چهار پرسش را برای خود مشخص کنیم، به احتمال زیاد کسب‌وکار نوپای موفق‌ی خواهیم داشت: ۱- مخاطب خدمات و محصولات ما کیست؟ (در مثال لینکدین: افراد جویای کار، کارفرماها و...) ۲- چه چیزی به آنها پیشنهاد می‌دهیم؟ سرعت بیشتر یا زمان کمتر؟ هزینه کمتر؟ قابلیت شخصی‌سازی؟ (در مثال لینکدین: هزینه کمتر، دسترسی راحت‌تر و بیشتر به اطلاعات) ۳- چطور می‌خواهیم این کار را انجام دهیم؟ (در مثال لینکدین: بستر اینترنت) ۴- چرا این کار قابل کپی‌شدن نیست؟ یا حداقل چرا کپی‌کردنش دشوار است؟ (در مثال لینکدین: زمان شروع و مزیت اول بودن). صحبت از کسب‌وکار جدید و اشتغال‌زایی گفتمان رایج این روزهای ما در ایران هم هست. خیلی‌ها به فکر ایجاد کسب‌وکارهای جدید هستند و قطعا دغدغه مثتی است، اما بهتر است قبل از اینکه با یک ایده خام دست‌به‌کار شویم و سرمایه خود را درگیر کنیم، حداقل به چهار سؤال ذکرشده فکر کنیم. در همین تهران بلواری وجود دارد که مغازه‌های بسیار کوچکی (حدود دو در سه متر) در آن زیاد است. به‌خاطر اجاره بالای این مغازه‌ها، خیلی از جوان‌هایی که فست‌فود یا کافه‌ای در یکی از آنها راه می‌اندازند، به شش ماه نمی‌کنند که ورشکست یا پشیمان می‌شوند! پیداکردن پاسخ چهار سؤال زمان زیادی نمی‌برد، اما تأثیر بسیار زیادی بر موفقیت کسب‌وکار نوپایمان خواهد داشت.

اتفاق

تراپ‌ خائن

خبرنگارانی است که برای تهیه گزارش در مورد برنامه هفتگی رئیس‌جمهوری با نمایندگان سنا در آنجا تجمع کرده بودند. تراپ قصد داشت در این جلسه حمایت سناتورها برای برنامه حذف مالیات‌ها را جلب کند که تعدادی پرچم کوچک روسیه که نام او بر آنها نقش بسته بود، به سوی او پرتاب شد. کلایتون فریاد می‌زد: «چرا آنها درباره کاهش مالیات صحبت می‌کنند، درحالی‌که باید درباره خیانت صحبت کنند؟ این رئیس‌جمهور با مأموران دولت روسیه برای سرقت اطلاعات انتخابات هم‌دست است! در کنگره ما باید درباره خیانت صحبت کنیم، نه درباره کاهش مالیات!» تراپ روزی نیست که به دلیلی در اخبار مطرح نشود، نه به این خاطر که رئیس‌جمهور آمریکاست، بلکه به‌خاطر رفتارهایی که از شان ریاست‌جمهوری به‌دور است.

ارتباط دوستانه آشکار میان دونالد تراپ و ولادیمیر پوتین، بحث کمک هک‌های روس به انتخاب‌شدن تراپ و هم‌نوی‌های گاه‌وبگاه سیاست خارجی دو کشور در ماه‌های اخیر، بسیاری از آمریکایی‌ها را علاوه بر مخالفت با سیاست‌ها و روش و منش تراپ، در این مورد نیز بدگمان کرده است که رئیس‌جمهوری‌شان جاسوس و اسب‌ تروای دشمن سنتی دیرین آنهاست. در تازه‌ترین مورد واکنش به این مسئله، مرد معترضی با ورود به ساختمان سنا، در هنگام عبور دونالد تراپ، پرچم روسیه را به سوی او پرتاب و او را خائن خطاب کرد. تراپ در این زمان وارد سنا می‌شد و رهبر اکثریت مجلس سنا، میچ مک‌کانل جمهوری‌خواه از ایالت کنتاکی، در کنار او قدم برمی‌داشت. فرد مهاجم که رایان کلایتون نام داشت، وانمود کرده بود که یکی از